



مستندات حمایت لندن و ریاض از فرقه شیرازی/ پنج شاخص تشیع انگلیسی

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: فرقه شیرازی جریانی است که از لحاظ امنیتی خطرناکی است و تنها بعد فرهنگی ندارد و بعد امنیتی هم دارد؛ امیدواریم مسئولین امنیتی قاطع‌تر با این گروه برخورد کنند.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: فرقه شیرازی جریانی است که از لحاظ امنیتی خطرناکی است و تنها بعد فرهنگی ندارد و بعد امنیتی هم دارد؛ امیدواریم مسئولین امنیتی قاطع‌تر با این گروه برخورد کنند.

خبرگزاری مهر- گروه سیاست: یکی از راه‌های ضربه‌زدن جریانات استکباری بخصوص سرویس‌های جاسوسی انگلیس، آمریکا و صهیونیسم به دین مبین اسلام، فرقه‌سازی و تشدید اختلافات در میان مذاهب اسلامی است. تشکیل گروه‌های تندروی اهل تسنن موسوم به تکفیری-وهابی و همچنین حمایت از افراطیون شیعی همچون فرقه شیرازی در داخل ایران، عراق و کشورهای منطقه از جمله اقداماتی است که کشورهای غربی در راستای سیاست‌های ضداسلامی خود دنبال می‌کنند.

رهبر معظم انقلاب در همین زمینه می‌فرمایند: «ما تشیعی را که مرکز و پایگاه تبلیغاتش لندن است قبول نداریم؛ این تشیعی نیست که ائمه (ع) آن را ترویج کردند و آن را خواستند. تشیعی که بر پایه ایجاد اختلاف، بر پایه تمهید و صاف‌کردن جاده برای حضور دشمن‌های اسلام است، این تشیع، تشیع نیست؛ این انحراف است.»

برای تبیین بهتر ویژگی‌ها و شاخص‌های عملی و نظری جریان تشیع انگلیسی بخصوص فرقه شیرازی با «آیت‌الله محسن اراکی» دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به گفتگو نشستیم. وی سال گذشته اظهارات صریحی را در مورد فرقه شیرازی مطرح کرد که این مساله باعث واکنش‌های شدیدی از سوی رسانه‌ها و عوامل طیف شیرازی شد.

آیت‌الله اراکی در گفتگوی تفصیلی با مهر در ارتباط با این واکنش‌ها گفت: «وقتی احساس وظیفه شد که این مطالب را بیان کنم پیش بینی می‌کردم که ممکن است واکنش‌هایی را به همراه داشته باشد. البته برای من چنین واکنش‌هایی اهمیت ندارد. من ۴۵ سال است مبارزه می‌کنم و آماده هستم که هر ضرری را به جان بخرم.»

وی افزود: «فرقه شیرازی جریانی سازمان یافته و یک حزب سیاسی است که اهداف سیاسی خاص را دنبال می‌کند. این جریان حزبی سیاسی با شعارها و پوشش دینی است که به دنبال اهداف سیاسی می‌رود و از طرف بیگانگان حمایت کامل می‌شود. من بر آنچه می‌گویم مدرک دارم. این مدارک را حتی دستگاه‌های اطلاعاتی ما ضبط کرده‌اند و هر وقت صلاح بدانند افشا می‌کنند.»

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از «کمک‌های مالی عربستان به فرقه شیرازی» خبر داد و تصریح کرد: «ما اطلاعات دقیق و مدارک مستند داریم که حتی عربستان سعودی که در زمره تسنن افراطی است و باید با جریان تشیع افراطی دشمن باشد، با واسطه و روش‌های خاص خودش از این جریان حمایت مالی می‌کند.»

آیت‌الله اراکی پایگاه اجتماعی این جریان را در حوزه‌های علمیه ضعیف دانست و گفت: «ببینید این جریان با وجود هزینه‌ها و فعالیت‌هایی که کرده است، نتوانسته یک آدم دارای اطلاعات علمی که بشود به او در عرف حوزوی «فاضل» اطلاق کرد تربیت کند.»

رئیس اسبق مرکز اسلامی لندن با اشاره به شاخص‌های نظری و عملی فرقه شیرازی گفت: «زاویه داشتن با وحدت مسلمین، مقابله با هر نوع حمایتی از مردم مظلوم فلسطین، همراهی با خط صهیونیست‌ها و عدم دغدغه‌مندی برای مقابله با آمریکا، انگلیس و رژیم‌های وابسته به آن از جمله شاخص‌های جریان شیرازی است.»

آیت‌الله اراکی تاکید کرد: «من وقتی گفتم سید صادق شیرازی سواد ندارد یعنی سواد فقهاتی و تخصص در مسائل اسلامی ندارد نه اینکه سواد خواندن و نوشتن ندارد. سواد دارد اما سواد که او را به عنوان یک مجتهد معرفی کند ندارد. یکی از شیوه‌های کار جریان شیرازی این است که برون آدم‌های کم سواد که مثلاً خوش صدا هستند و می‌توانند مداحی کنند و روضه بخوانند را جذب کنند. بنابراین روضه خوان‌ها، مداح‌ها و عامه کسانی که از جریان شیرازی حمایت می‌کنند آدم‌های کم سواد هستند که اطلاعات بسیار اندکی از مسائل دینی دارند.»

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی همچنین خواستار برخورد قاطع‌تر دستگاه‌های امنیتی با این فرقه شد و گفت:

«فرقه شیرازی جریانی است که از لحاظ امنیتی جریان خطرناکی است و تنها بعد فرهنگ ندارد و بعد امنیتی هم دارد. ما امیدواریم که مسئولین امنیتی هر زمان که صلاح دیدند قاطع‌تر با این گروه برخورد کنند.»

مشروح این مصاحبه به شرح زیر است:

حضرتعالی سال گذشته اظهارات صریحی را در مورد تشیع انگلیسی و مصداق طیف سیدصادق شیرازی داشتید که پس از آن واکنش‌های تندی علیه شما در سطح برخی رسانه‌های و شبکه‌های مجازی مطرح شد. آیا سخنان شما از سال گذشته تاکنون علاوه بر واکنش‌های رسانه‌ای با بازخورد یا واکنشی منفی در قالب ارسال نامه و یا احیاناً تهدید از سوی این طیف و حامیان آنها همراه بوده است یا خیر؟

واکنش‌ها که طبیعی است. وقتی احساس وظیفه شد که این مطالب را بیان کنم پیش بینی می‌کردم که ممکن است واکنش‌هایی را به همراه داشته باشد. البته برای من چنین واکنش‌هایی اهمیت ندارد. من ۴۵ سال است مبارزه می‌کنم و آماده هستم که هر ضرری را به جان بخرم. برای من تهدید چندان تازگی ندارد و مهم نیست بلکه آنچه اهمیت دارد انجام وظیفه است. سخنانی که مطرح شد بحمدالله اثر بسیار خوبی در ایجاد بصیرت و توجه مردم متدین در داخل و خارج از کشور داشت و بسیاری از علمایی که حقیقت این گروه را نمی‌شناختند به حقیقت آن آشنا شدند.

امروز این گروه در جمع اهل ایمان ما یک گروه منزوی و کاملاً مشکوک است. البته علائم و نشانه‌های وابستگی این گروه به اجنبی زیاد است و تامل و تفکر زیادی نمی‌خواهد و احتیاج به تحقیقی بسیاری هم ندارد. این گروه دقیقاً در چارچوب سیاست‌های بیگانگان و انگلیسی‌ها عمل می‌کند. از قدیم استراتژی سیاست‌مداران انگلیس استراتژی دین‌سازی یا مذهب‌سازی یا ایجاد گرایش‌های منحرف در درون ادیان و در درون مذاهب بود. ایجاد بهایی‌گری و حمایت از آن در حدی بود که وقتی فلسطین مستعمره انگلیس شد، بهایی‌ها آنجا دفتر زدند و فلسطین اشغالی را پایتخت و مرکز اصلی بهاییان کردند.

ایجاد و حمایت از وهابی‌گری از دیگر اقدامات انگلیسی‌ها برای ضربه زدن به اسلام است. جدیداً هم انگلیسی‌ها در عراق در حال حمایت از گروه‌هایی همچون «احمدالحسن یمانی» که ادعای مهدویت دارند هستند. ما در این زمینه مدارکی داریم و قرائن زیادی وجود دارد که انگلیس‌ها و شبکه‌های جاسوسی از جمله CIA و موساد نقش فعالی در این زمینه ایفا می‌کنند. سرخ این اقدامات مربوط به دستگاه‌های جاسوسی انگلیس می‌شود زیرا آنها از یک سو تجربه بسیار زیاد و از سوی دیگر شبکه گسترده مزدورانی دارند که متأسفانه از نفوذ زیادی هم برخوردارند.

من وقتی در انگلیس بودم گزارشی به من رسید که این‌ها توانسته‌اند از بسیاری جوان‌های شیعه و سنی برای کارهای جاسوسی خود سربازگیری کنند. من آن روزها وقتی به دانشگاه‌ها سر می‌زدم و کار دانشگاهی داشتم می‌دیدیم که حتی در مساجد دانشگاه‌ها تشکیلاتی وجود دارد که به نوعی از سوی دولت حمایت می‌شوند. منظور این است که چون انگلیسی‌ها سابقه زیادی در نفوذ و حضور در کشورها و ملت‌های شرقی داشته‌اند از تجربه زیادی در این عرصه برخوردار هستند؛ لذا اساس برنامه‌ریزی در این زمینه را انگلیسی‌ها انجام می‌دهند و منظور از تشیع انگلیسی هم همین است؛ یعنی تشیعی که با برنامه‌ریزی، مدیریت انگلیس‌ها و دستگاه‌های جاسوسی بوجود آمده و حمایت مالی و تبلیغاتی می‌شود. منظور از تشیع انگلیسی این نیست که شیعیانی هستند که در انگلیس سکونت دارند، اتفاقاً شیعیان بسیار خوبی در انگلیس هستند که وقتی می‌بینند عده‌ای به وسیله سیاستمداران انگلیسی حمایت می‌شوند رنج می‌کشند.

بنابراین اقدامی که از سوی بنده انجام گرفت اقدام موثری بود، البته قاعداً باید علما و نهادها از این اقدام حمایت کنند و خدا را شکر تعدادی هم حمایت کردند و به میدان آمدند ولی به هر حال ما امروز در یک جنگی سخت با گرایش‌های انحرافی به سر می‌بریم. امروز تصمیم انگلیس و آمریکا بر این است که با ایجاد جریان‌های انحرافی چه در اهل سنت و چه در جامعه شیعه، پراکندگی و جنگ درون مذهبی را تشدید کنند. این بزرگترین خطری است که با آن روبرو هستیم. همه کسانی که دغدغه دین و اسلام دارند باید کمک کنند تا بتوانیم مقابل جریان‌های انحرافی بایستیم.

آیا تشیع انگلیسی در حال حاضر محدود به طیف شیرازی‌ها، یاسر الحبیب و اللهیاری می‌شود یا اینکه طیف‌های دیگری هم مشمول این جریان هستند؟

مصاحبه با آیت الله اراکی

آنها تلاش دارند که از هر طریق نفوذ کنند و از ابزارهای مختلفی بهره ببرند، منت‌های آن جریان سازمان یافته‌ای که امروز در سطح جهان تشیع کار می‌کند طیف مذکور است. ما درون جهان تشیع و جامعه اهل سنت دو مشکل داریم؛ اولین مشکل

افراط‌گری‌های گروه‌های تندرویی است که در بین اهل سنت و تشیع بوجود می‌آید و مشکل دیگر سازماندهی این اقدامات در جهت اهداف بیگانه است. آنچه خطرناک‌تر است همین بخش دوم است. در این سازمان‌دهی‌ها آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها موفق بوده‌اند؛ حمایت دستگاه‌های جاسوسی آمریکا، انگلیس و اسرائیل بطور مخفیانه و پنهانی از داعش موید همین مساله است. علت اینکه داعش جریان خطرناکی شده به لحاظ سازمان یافتگی آنهاست والا در میان اهل سنت گروه‌های تندروی فراوان دیگری وجود دارد منتهی خطرناک‌ترین آنها جریان‌هایی از قبیل داعش است که سازمان یافته‌اند. وقتی ۱۰ داعشی در یک کشور به وجود بیایند و بطور سازمان یافته فعالیت کنند، ممکن است امنیت کشوری را به خطر بیندازند اما اگر در یک کشور هزارتا آدم تندرو غیر سازمان یافته باشند نمی‌توانند خطری که همان ۱۰ نفر سازمان یافته ایجاد می‌کنند را بوجود آورند.

ببینید فرقه شیرازی در واقع یک جریان سازمان یافته و یک حزب سیاسی است که اهداف سیاسی خاص را دنبال می‌کند. این جریان یک حزب دینی نیست بلکه حزبی سیاسی با شعارها و پوشش دینی است که به دنبال اهداف سیاسی می‌رود و از طرف بیگانگان حمایت کامل و گسترده تبلیغاتی، رسانه‌ای و مالی می‌شود. من بر آنچه می‌گویم مدرک دارم. این مدارک را حتی دستگاه‌های اطلاعاتی ما ضبط کرده‌اند و هر وقت صلاح بدانند افشا می‌کنند. آنچه من عرض می‌کنم تنها از روی حدس و تخمین نیست، اگرچه تحلیل ما هم همین است و قبل از اینکه مدارک عینی پیدا شود نیز همین بود، اما مدارک عینی پیدا شد و تحلیل ما را تایید کرد.

برخی معتقدند امروز تشیع لندن در حوزه‌های علمیه آماده یارگیری برای مقابله با تشیع انقلابی است. وزن سیاسی و پایگاه اجتماعی این جریان به خصوص فرقه شیرازی در داخل و خارج از کشور بویژه در حوزه‌های علمیه چقدر است؟

این جریان پایگاه اجتماعی ضعیفی دارد اما آنچه خطر این‌ها را چند برابر می‌کند سه موضوع است، یک، امپراتوری رسانه‌ای است که با حمایت خارجی‌ها در اختیارشان قرار گرفته شده است. اگر یادتان باشد زمانی اعلام کردند چندین میلیون دلار در حوزه مبارزه فرهنگی با جمهوری اسلامی توسط کنگره آمریکا تصویب و ما بعد از تصویب آن دیدیم که رسانه‌های وابسته به گروه شیرازی تاسیس شدند. برخی مسئولین آمریکایی صراحتاً گفتند استراتژی ما این است که گروه‌های افراطی مذهبی را در داخل جوامع شیعی تشویق و پشتیبانی کنیم. امروز شاید بیش از ۲۰ ماهواره به همراه شبکه‌های ارتباط اجتماعی زیادی در اختیار این جریان قرار دارد که در راستای اهداف آنها عمل می‌کنند. دوم، سازمان یافتگی این جریان است که به طور کاملاً دقیق و منظم عمل می‌کنند، سوم، حمایت مالی گسترده‌ای است که از سوی خارجی‌ها نسبت به این جریان انجام می‌گیرد.

ما اطلاعات دقیق و مدارک مستند داریم که حتی عربستان سعودی که در زمره تسنن افراطی است و باید با جریان تشیع افراطی دشمن باشد، با واسطه و روش‌های خاص خودش از این جریان حمایت مالی می‌کند. حمایت مالی گسترده از این جریان، سازمان یافتگی و تشکیلات رسانه‌ای فرقه شیرازی با وجود تعداد اندک آنها، خطر بزرگی را به وجود آورده است که باید با این خطر مقابله شود. ما یقین داریم اگر جوان‌ها و جامعه دینی ما بیدار شوند و این جریان را منزوی کنند، می‌توانند اثر رسانه‌ای، تشکیلات سازمان یافته و پول‌هایی که در این راه خرج می‌شود را از بین ببرند.

نفوذ این جریان در حوزه‌های علمیه چقدر است؟

بسیار اندک و محدود است. ببینید این جریان با وجود هزینه‌ها و فعالیت‌هایی که کرده است، نتوانسته یک آدم دارای اطلاعات علمی که بشود به او در عرف حوزوی «فاضل» اطلاق کرد، تربیت کند. اصلاً شما یک استاد حوزه علمیه شناخته شده‌ای که پیرو این جریان و خط فکری آنها باشد مشاهده نمی‌کنید. بنابراین این نشان دهنده این است که جریان شیرازی نتوانسته در حوزه‌های علمیه نفوذ چشمگیری داشته باشد. البته گاهی طلبه‌های جوانی که آشنایی با این جریان ندارند و تازه وارد حوزه شده‌اند؛ ممکن است تحت تاثیر این جریان و خط فکری آنها قرار بگیرند و دلیل روشنگری ما نسبت به این جریان هم، آگاه‌سازی طلاب جوان بود زیرا خوف این می‌رود که طلبه‌های جوان به دلیل عدم آشنایی به حقیقت تحت تاثیر تبلیغات آنها قرار بگیرند.

البته شاید جریان تشیع انگلیسی با اسم و تابلوی مشخصی در حوزه‌های علمیه نباشند. شاخصه‌های نظری و عملی جریان تشیع انگلیسی چیست؟

ببینید شاخص اول این جریان زاویه داشتن با وحدت مسلمین است. یعنی هرجایی که باشند با وحدت و اتحاد مسلمین مخالفت می‌کنند و از طریق روش‌های مختلف و با تزویر و شیوه‌های غیرسلیم سعی می‌کنند وحدت مسلمین را زیر سوال ببرند، لذا می‌بینید که بجای هفته وحدت، هفته برائت می‌گویند یا مثلاً امسال شنیدیم سیدصادق شیرازی اطلاعیه داده و گفته بیاید به جای قدس، حرمین عسگریین را یاری کنید و جمعه آخر ماه رمضان را به عنوان روز «نصرت عسگریین» بنامید. این امر نشان می‌دهد که خط اصلی این جریان ضدیت با وحدت مسلمین است.

شاخص دیگر این جریان همراهی با خط صهیونیست‌هاست، یعنی هر جریانی که در خط مقاومت و علیه نظام صهیونیستی باشد توسط تشیع انگلیسی منکوب و رد می‌شود. این موضوع خیلی روشن است. به عنوان مثال مجری شبکه امام حسین(ع) که از شبکه‌های وابسته به سیدصادق شیرازی است، بعد از ماه رمضان سال گذشته و پس از جنگ غزه مدام علیه حمایت‌های ایران از مردم مظلوم غزه سخن می‌گفت و در بین سخنان خود یک دروغ عجیب مطرح کرد تا مثلاً به زعم خودش مردم ایران را از حمایت مردم فلسطین باز بدارد. می‌گفت «نشنیدید که هلال احمر ایران یک هواپیما خون برای مجروحین فلسطین فرستاده است و آنها خون‌ها را رد کردند و گفتند این خون، خون شیعه است زیرا ما نمی‌خواهیم بگذاریم این خون در رگ‌های ما جریان پیدا کند؟» این خیلی دروغ عجیبی است. آنها با چنین دروغی می‌خواهند احساسات مردم ایران را علیه مردم مظلوم فلسطین برانگیزند و حمایت از فلسطین را تضعیف کنند.

اخیراً یک موج رسانه‌ای به راه افتاده است که حماس، گروه‌های تکفیری و تروریستی را علیه مردم یمن تجهیز و حمایت می‌کند و در حفر تونل‌های زیرزمینی علیه جنبش انصارالله فعال است. این مطالب را هم شیرازی‌ها شایع کردند؟

مصاحبه با آیت الله اراکی

بله، هم این جریان و هم دیگران عوامل نشر این شایعات هستند. اما اصل این نوع تبلیغات را دستگاه‌های جاسوسی آمریکا، اسرائیل و انگلیس انجام می‌دهند منتهی از کانال‌های مختلف، یکی از کانال‌هایی هم که در این راستا خوب عمل می‌کند فرقه شیرازی است.

هیچکدام از این مطالب واقعیت ندارد. امروز گروه حماس سازمان یافته و در داخل فلسطین علیه صهیونیست‌ها درگیر است. این طور نیست که گروه‌هایی از جمله حماس این طرف و آن طرف بروند و به تکفیری‌ها کمک کنند؛ اگر اینطور بود که دیگر کسی در غزه نمی‌ماند، اصلاً سازمان حماس اصرار دارد که همه نیروهای حماس در داخل غزه بمانند، این جزو سیاست‌های اصلی آنهاست. ولی شما می‌بینید در مصر و در صحرای سینا، وقتی عملیاتی علیه دولت انجام می‌گیرد به حماس نسبت می‌دهند با اینکه حماس بارها گفته ما دست به این اقدامات نمی‌زنیم. اصلاً گروه‌های افراطی نیازی به کمک حماس ندارند. ممکن است افرادی از فلسطین به تروریست‌ها و تکفیری‌ها بپیوندند همانطور که از ایران هم ممکن است به تکفیری ملحق شوند که اتفاق هم افتاده است، یعنی گاهی داعش توانسته از ایران هم سربازگیری کند اما این چه ارتباطی به نظام جمهوری اسلامی دارد؟

چون گرایش حماس «اخوانی» است و اخوانی‌ها هم با دولت سوریه مشکل دارند از این جهت شایع شده حماس به گروه‌های تکفیری علیه دولت سوریه کمک می‌کند.

خیر. امروز اخوانی‌های سوریه از گروه‌های افراطی مثل جبهه النصره و داعش فاصله گرفتند. حتی اخوانی‌های سوریه موضع قبلی خود را رها کردند و دیگر به شکل سابق نیستند. اصلاً اخوانی‌های سوریه ربطی به اخوانی‌های حماس و اردن ندارند، اصلاً سازمان اخوان المسلمین یک سازمان به هم پیوسته و هماهنگ نیست، سیاست اخوانی‌های اردن، حماس، سوریه، مصر و ترکیه مستقل از یکدیگرند و هریک سیاست خودشان را دارند. البته ممکن است در بعضی موضع گیری‌ها از هم حمایت کنند ولی هرکدام از اینها یک سازمان مستقل هستند و تنها در جریان‌های کلان فکری با هم اشتراک دارند.

شاخص دوم جریان شیرازی این است که سعی دارد با هر نوع حمایتی از مردم مظلوم فلسطین مقابله و جنبه مردمی این حمایت را تضعیف کند. شاخص سومی که برای شیرازی‌ها می‌توان برشمرد عدم دغدغه‌مندی برای مقابله با آمریکا، انگلیس و رژیم‌های وابسته به آن است. مثلاً کسی در دنیا نمانده که وجدان داشته باشد و ماجرای یمن را ببیند و سعودی‌ها را محکوم نکند. تاکنون این جریان یک کلمه علیه جنایات سعودی‌ها نسبت به مردم یمن سخن نگفته است. مردم یمن مثل حماس نیستند که مثلاً بنابر ادعای اینها ناصبی باشند. جریان شیرازی در ماجرای یمن هیچ موضع‌گیری علیه عربستان نکرد و تاکنون هیچ موضعی علیه آمریکا و انگلیس نداشته است. حتی وقتی می‌خواهند در مسائل عراق ورود کنند، از انگلیس، آمریکا و کشورهای هم پیمان آنها صحبت نمی‌کنند و نمی‌گویند که این‌ها در عراق توطئه می‌کنند و پشت پرده همه جنایت‌هایی که بر مردم عراق می‌شود هستند. بلکه گاهی همین فرقه شیرازی به دروغ بعضی از اقداماتی که تروریست‌ها در عراق انجام می‌دهند را به ایران منسوب می‌کنند.

شاخص چهارمی که فرقه شیرازی و جریان تشیع انگلیسی دارد شاخص بی سوادی است. اینکه می‌گویم بی سواد نه اینکه سواد خواندن و نوشتن ندارند. من وقتی گفتم سید صادق شیرازی سواد ندارد یعنی سواد فقهاتی و تخصص در مسائل اسلامی ندارد نه اینکه سواد خواندن و نوشتن ندارد. سواد دارد اما سواد بی که او را به عنوان یک مجتهد معرفی کند ندارد. یکی از شیوه‌های کار جریان شیرازی این است که بروند آدم‌های کم سواد که مثلاً خوش صدا هستند و می‌توانند مداحی کنند و روضه بخوانند را

جذب کنند. بنابراین روضه خوان‌ها، مداح‌ها و عامه کسانی که از جریان شیرازی حمایت می‌کنند آدم‌های کم سواد هستند که اطلاعات بسیار اندکی از مسائل دینی دارند. همین اطلاعات اندک هم این جریان را به روش‌های «اخباری‌گری» کشانده است. یکی می‌گفت از بزرگان این فرقه پرسیدم نظرتان نسبت به یک حدیث که در بحارالانوار آمده است چیست؟ ایشان جواب داد «همه احادیث بحارالانوار صحیح هستند!» اصلاً خود مرحوم مجلسی هم چنین ادعایی نداشته که هر چه در بحار آمده صحیح است. چطور می‌شود این همه روایت که از منابع مجهول و ناشناخته در کتاب بحار آمده است؛ صحیح باشد؟ کسی از علمای متقدم و متاخر ما چنین ادعایی نکرده است. تنها علت طرح ادعای صحت کامل بحارالانوار این است که بتوانند برای هر بدعتی که می‌گذارند و هر انحرافی که ایجاد می‌کنند دلیلی بتراشند زیرا در بحارالانوار آنقدر روایت وجود دارد که هرکسی بخواهد در دین انحرافی ایجاد کند می‌تواند یک روایت ولو با تحریف و تفسیر غلط بیابد و آن را دست مایه انحراف در دین قرار دهد.

شاخص پنجم جریان شیرازی این است که روی احساسات شیعی کار می‌کنند تا بتوانند از طریق برانگیختن احساسات مردم برای خود سربازگیری کنند.

ببینید قطعا شعائر حسینی از بزرگترین شعائر اسلامی است و اسلام و تشیع نیز مرهون قیام سید الشهداء است. اما گاهی این جریان بر شعائر حسینی بیش از محدوده شرع تکیه می‌کند، یعنی نمی‌آیند شعائر اصلی را تبلیغ کنند. شیرازی‌ها در این زمینه یک کتاب و یک اعلامیه نوشتند که بیاید اهداف حقیقی قیام سیدالشهدا(ع) را تبیین، تحلیل و از اتهاماتی که به قیام امام حسین(ع) منتسب می‌شود دفاع کنند. امروز بعضی جریان‌های افراطی اهل سنت و دشمنان داخلی و خارجی اهداف قیام سیدالشهدا(ع) را زیر سوال می‌برند اما این جریان با این همه ادعایی که نسبت به شعائر حسینی دارد یک واکنش درست و حسابی در تبیین اهداف سیدالشهدا(ع) انجام نداده است. یعنی تاکنون از خودشان یک رسانه، کتاب و چیزی که از تشیع دفاع حقیقی و مستدل کند ارائه نداده‌اند.

جریان شیرازی سراغ شعائری می‌رود که بتواند به شکلی در بین جامعه شیعی تفرقه ایجاد کند. مثلاً سراغ قمه‌زنی رفته‌اند و این حرکت را اصول دین کرده‌اند و هرکسی هم با قمه‌زنی مخالف باشد را مخالف حسین بن علی(ع) و تشیع معرفی می‌کنند. خب این یعنی چی؟ اصلاً قمه‌زنی در تاریخ تشیع وجود نداشته است و اصالتی ندارد، تاریخ پیدایش این پدیده به ۲۰۰ سال پیش بازمی‌گردد. مگر امام صادق(ع) قمه می‌زد؟ مگر اصحاب امام صادق(ع) و ائمه اطهار قمه می‌زدند؟ مگر شیخ مفید، شیخ طوسی، علما و مراجع ما قمه می‌زدند؟ اگر بنا بود قمه زنی از مهمترین شعائر حسینی باشد باید اول علمای ما این کار را انجام بدهند چراکه به عنوان مثال علما در روضه خوانی‌ها و سینه زنی‌ها پیش قدم بودند و مردم را تشویق به این شعائر می‌کردند. ما باید شعائر حسینی را از علما و مراجع دین یاد بگیریم، اما شما در تاریخ یک عالم شیعه را نمی‌توانید پیدا کنید که قمه زده باشد، زیرا اصلاً قمه‌زنی در بین شعائر حسینی رسم نبوده است.

این جریان علاوه بر قمه‌زنی سراغ روش‌های غلط و تحریف شده هم رفته است مثلاً روی خار، آتش یا چیزهای آتشین راه می‌روند و یا خود را روی زمین می‌کشند و کارهای عجیب و غریب می‌کنند. این حرکات نه تنها با شعائر حسینی ارتباطی ندارد بلکه شعائر تشیع و قیام حسینی را در دیدگاه مردم دنیا به یک کار خرافی، بی‌معنا، بی‌هدف و بی‌خودی تبدیل می‌کند و موجب می‌شود آنهایی که می‌خواهند به تشیع یا به اسلام حقیقی و اسلام ناب روی بیاورند از اسلام روی گردان شوند.

آیا تحریک هیجانات شیعه علیه اهل تسنن در استان‌های سنی نشین ایران بستر ساز یک سری اقدامات ضد امنیتی نشده است؟ بالاخره جریان تشیع انگلیسی علاوه بر اینکه می‌تواند عامل انحراف در مبانی شیعه باشد، این توانایی را دارد که بستر ساز برخی مسائل ضد امنیتی و اجتماعی شود.

ببینید مردم طی یک اتفاق نتیجه اقدامات و رفتارهای این جریان را در سراسر جهان مشاهده کردند. این اتفاق مربوط به ماجرای شهادت مرحوم «شیخ حسن شحاطه» مصری می‌شود که از اهل تشیع بود. شیخ شحاطه را مردم کوچه بازار کشتند اما این جنایت را چه کسی سازماندهی کرد؟ چه کسی این آتش را برافروخت؟ «یاسر الحبيب» که از طرفداران سیدصادق شیرازی است و وکیل و وابسته به او محسوب می‌شود و از قدیم در دامن شیرازی‌ها پرورش یافته مسبب اصلی مرگ شیخ شحاطه است.

ماجرای این قرار بود که یک هفته قبل از شهادت این شیخ، شبکه ماهواره‌ای «فدک» با وی مصاحبه کرد و انقدر به پای شیخ شحاطه پیچید تا توانست حرف‌هایی را در توهین به مقدسات اهل تسنن از وی بگیرد، یعنی این شیخ را وادار به توهین کرد. خب نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که مردم در محل سکونت همین آقا تحریک شدند و جریان‌هایی هم آمدند روی این مساله کار کردند و مردم را به واکنش واداشتند. من خودم پوسترهایی در «محل الجیزه» که محل سکونت شیخ شحاطه بود دیدم که نوشته بود «چه نشسته‌اید و چرا عکس‌العمل نشان نمی‌دهید که فلانی به مقدسات اهل تسنن توهین کرد.» همین عبارات تحریک کننده باعث شد که مردم کوچه و بازار علیه شیخ شحاطه تحریک شوند و او و چند نفر دیگر از اطرافیانش را بکشند.

بنابراین کارهایی که رسانه‌های نزدیک به شیرازی می‌کنند اثر دارد. مثلاً همین عبدالملک ریگی که در ایران دستگیر شد در اعترافاتش صراحتاً گفت ما وقتی می‌خواستیم نیروهای خودمان را برای عملیات ضد شیعی آماده کنیم، نوار سخنرانی افرادی که وابسته به گروه شیرازی بودند را برای آنها می‌گذاشتیم و می‌گفتیم «ببینید اینجا چگونه به مقدسات شما توهین می‌کنند؟ اینها شیعه هستند.» یعنی گروهک ریگی به وسیله اظهارات فرقه شیرازی سعی می‌کرد جوان‌های ساده اهل سنت را علیه شیعیان تحریک کند.

پس از تحولات عراق و هجوم تروریست‌ها به این کشور، برخی گفتند ایجاد اختلاف و درگیری بین اهل تشیع و تسنن در مناطق سنی نشین می‌تواند بستر ساز یارگیری گروه‌های تکفیری بخصوص داعش در داخل ایران باشد. یعنی مشابه همان اتفاقاتی که در بغداد می‌افتد و شیعیان تندرو به محل‌های سنی‌نشین می‌روند و به مقدسات آنها توهین می‌کنند. به عنوان مثال اوایل امسال بود که افراطی‌های شیعی اهانتی به محل دفن ابوحنیفه در بغداد کردند و بستر ساز برخی بمب‌گذاری‌ها در بغداد توسط تندروهای اهل تسنن شدند. آیا ممکن است اقدامات و تحریکات جریان‌اتی مانند فرقه شیرازی زمینه‌ساز نفوذ تکفیری‌ها و داعش در استان‌های مرزی و سنی نشین ما شود؟

مصاحبه با آیت الله اراکی

ببینید در کشور ما کنترل وجود دارد و نهادهای امنیتی، قضایی و فرهنگی و همچنین علمای اهل سنت و شیعه اوضاع را کامل کنترل و هدایت می‌کنند. تاکنون اتفاق قابل توجهی در داخل کشور نداشتیم منتهی در خارج از کشور اتفاقاتی رخ داده است. شما اگر تحلیل و پیگیری کنید خواهید دید که چگونه داعش موفق می‌شود این همه نیرو را در سراسر جهان بسیج کند. دلیل عمده بسیج این جوان‌ها برای پیوستن به داعش و گروه‌های افراطی نظیر داعش، دیدن و شنیدن رسانه‌های وابسته به سیدصادق شیرازی مثل فدک و امام حسین(ع) است. البته رسانه‌های تسنن افراطی مانند «شبکه وصال» و «کلمه» هم هستند که جامعه سنی را علیه جامعه شیعی تحریک می‌کنند.

بنابراین فرقه شیرازی جریانی است که از لحاظ امنیتی جریان خطرناکی است و تنها بعد فرهنگی ندارد و بعد امنیتی هم دارد. ما امیدواریم که مسئولان امنیتی هر زمان که صلاح دیدند قاطع‌تر با این گروه برخورد کنند.

کنفرانس وحدت چقدر توانست این مسائل را حل و فصل کند یا به تعبیری بازخوردهای امنیتی کنفرانس وحدت چیست؟ برخی انتقاد دارند که کنفرانس وحدت در سطح نخبگان انجام می‌شود و صرفاً محدود به سمینار و ارائه مقاله است و به آنچه در میان توده‌های مذهبی می‌گذرد توجهی ندارد. پاسخ شما چیست؟

ببینید کنفرانس وحدت که نمی‌تواند همه مردم دنیا را جمع کند بلکه از عناصر اثرگذار دعوت می‌کند و تاکنون تأثیرات زیادی هم گذاشته است. ما اگر بخواهیم تأثیرگذاری کنفرانس وحدت را بسنجیم، بهترین شاخص ما اخبار و تحلیل‌های رسانه‌های دشمن مانند BBC، در مورد این کنفرانس است. مثلاً شما دیدید که سال گذشته BBC چقدر سعی کرد علیه کنفرانس وحدت شانتاژ کند و تأثیرگذاری آن را به حداقل برساند و یا از بین ببرد، البته موفق نبود. بنابراین موضع‌گیری بسیار شدید و تند رسانه‌هایی مانند BBC و CNN نشان دهنده این است که کنفرانس وحدت اثرگذار است و الا رسانه‌هایی مانند العربیه و BBC نسبت به این کنفرانس آنقدر عکس‌العمل منفی نشان نمی‌دادند و سعی نمی‌کردند با کنفرانس وحدت مبارزه کنند.

این همه کنفرانس در دنیا برگزار می‌شود، شیخ الازهر کنفرانس برگزار کرد، اما چرا به این شکل با آن برخورد نمی‌کنند و تنها با کنفرانس وحدت اینگونه مواجه می‌شود؟ دلیل این موضوع اثرگذاری کنفرانس است. ما بازتاب‌های کنفرانس را از سراسر جهان دریافت می‌کنیم. من حتی با بسیاری از شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام که دیدار داشتم، آنها اثرگذاری این کنفرانس را تأیید می‌کردند. البته کنفرانس وحدت نمادی از فعالیت‌های زیادی است که خودش را در این قالب نشان می‌دهد والا این اقدام تنها فعالیت مجمع تقریب نیست بلکه مجمع تقریب دریایی از فعالیت‌ها را ساماندهی می‌کند اما برای اینکه اعلام موضعی صورت بگیرد کنفرانس وحدت را تشکیل می‌دهد. در حقیقت کنفرانس وحدت پرچمی است که برافراشته می‌شود تا بتواند مواضع جهان اسلام و شخصیت‌های موثر آن را اعلام کند.

گفتگو از سینا سنجری